

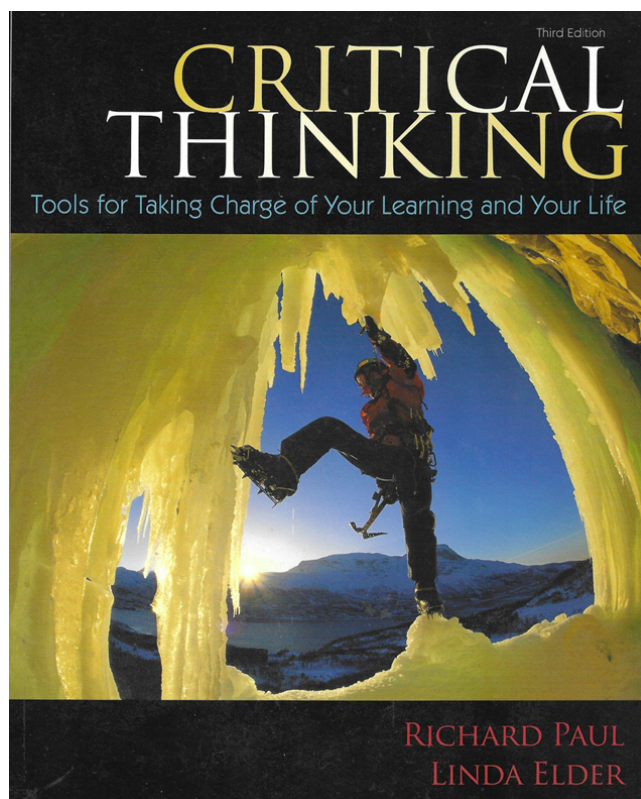
Intellectual Standards

معیارهای فکری

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

در تفکر نقادانه علاوه بر «تحلیل و آنالیز» باید بتوان «ارزیابی و سنجش» کرد. برای اندازه گیری و سنجش نیازمند ملاک ها و «معیارهایی» هستیم. مثلا ملاک های شما برای یک رئیس جمهور خوب چیست؟ هر انتخاب و تصمیمی بر اساس یک سری معیارها انجام می شود. معیار انتخاب دانشجو در این کشور چیست؟ اساتید دانشگاه بر اساس چه معیارهایی انتخاب می شوند؟ معیارهای شما برای انتخاب همسر چیست؟ معیار انتخاب دانش آموزان برای مدارس تیزهوشان چیست؟ متفکر نقاد به کیفیت معیارهای اندازه گیری توجه می کند.

ریچارد پال و لیندا الدر (۲۰۱۲) در کتاب «تفکر نقادانه» خود در کنار مدل هشت بخشی ارکان تفکر (elements of thought)، فهرستی شامل ۹ معیار را برای سنجش تفکر (standards for thinking) در نظر گرفته اند. با استفاده از این چن لیست میتوانیم تفکر و استدلال خود و دیگران را مورد ارزیابی و سنجش قرار دهیم. نمیتوان ادعا کرد که این ۹ معیار تنها ملاک های ارزیابی هستند ولی می توان گفت شاید مهمترین معیارهای اندازه گیری هستند. مثلا میتوان معیارهای دیگری نظیر پیش بینی پذیری (predictability) قابل قبول بودن (credibility) و شدنی بودن (feasibility) را نیز در نظر گرفت.



معیارهای فکری مدل پال و الدر عبارتند از:

۱. وضوح (clarity) یعنی تا چه اندازه مطلب بیان شده واضح و قابل فهم است.
 ۲. صحت (accuracy) یعنی تا چه اندازه مطلب بیان شده صحت داشته و عاری از خطا نادرستی و دروغ است.
 ۳. دقت (precision) یعنی تا چه اندازه در ذکر جزئیات لازم دقت به عمل آمده است.
 ۴. ارتباط (relevance) یعنی تا چه اندازه مطالب بیان شده به موضوع اصلی مرتبط است.
 ۵. ژرفا (depth) یعنی تا چه اندازه به پیچیدگیهای موضوع و جنبه های مختلف آن پرداخته است.
 ۶. وسعت (breadth) یعنی تا چه اندازه دیدگاههای مختلف در نظر گرفته شده است.
 ۷. منطق (logic) یعنی تا چه اندازه بخش های مختلف منسجم و عاری از تناقض هستند.
 ۸. اهمیت (significance) یعنی تا چه اندازه موضوع اصلی از اهمیت برخوردار است.
 ۹. انصاف (fairness) یعنی تا چه اندازه سوگیریها و تعصبات کنترل شده اند.
- در اینجا به توضیح بیشتر درباره این ملاک ها می پردازیم.

وضوح (clarity)

وضوح معیار ورود به موضوع است. اگر اظهار نظری شفاف و واضح نباشد نمی توان دیگر معیارها را درباره آن بکار گرفت.

برای طلب وضوح بیشتر می توان گفت:

- لطفا منظور خود را واضح تر بیان کنید.
- لطفا موضوع را به شیوه دیگری توضیح دهید.
- لطفا مثال بزنید.
- اجازه دهید من موضوع را آنگونه که فهمیدم خدمت شما توضیح دهم تا ببینید آیا میتوانم با وضوح مطلب مد نظر شما را شرح دهم.

وضوح استاندارد اول و شرط ورود به موضوع است. تا مطلبی واضح نباشد نمی توان معیارهای دیگر نظیر صحت و دقت را درباره آن بکار برد. بسیار مهم است که بتوانیم پرسش خود را با وضوح کافی مطرح کنیم.

صحت (accuracy)

ممکن است اظهار نظری واضح باشد ولی صادق نباشد. مثلا ادعاهایی که در تبلیغات برای کالاها میشود. مثلا در تبلیغات برای آب معدنی ادعا می شود که صد در صد خالص است در حالی که میدانیم اینگونه نیست. انسان متفکر ساده لوح نیست و از شک گرایی خود همواره استفاده می کند تا از صحت مطالبی که به او عرضه می شود اطمینان حاصل کند. انسان معمولا تحت تاثیر سوگیری هایی که دارد بخصوص سوگیری خود خدمتی (self-serving bias) مایل است که مطالبی که بوسیله خود و هم گروهی های خودش گفته می شود را صادق بداند و اطلاعات ارائه شده از غیر خودی ها را کاذب بداند. یعنی معیار برای او تعلق داشتن به خود و گروه خود است تا درست بودن و حقیقت داشتن.

برای اطمینان از صحت میتوان این پرسش ها را مطرح کرد:

- چگونه میتوان صحت این ادعا را سنجید؟
- از کجا بدانم این حرف راست است؟
- چگونه میتوان صحت اطلاعات ارائه شده را سنجید؟

دقت (precision)

گاهی اوقات سخنی واضح و درست است اما از میزان دقت کافی برخوردار نیست. مثلا وقتی کسی می گوید من بدهی بانکی دارم. مهم این است که این بدهی بانکی چقدر است. شاید در حد ده هزار دلار زیاد مشکلی نباشد ولی بدهی بالای پانصد هزار دلار وضعیت کاملا متفاوتی است. لذا لازم

است که همیشه در بیان دقت جایی که ضرورت دارد توجه داشته باشیم. برای طلب دقت بیشتر می توان گفت:

- لطفا دقیق تر بگویید.
- لطفا جزئیات بیشتری را در اختیار ما قرار دهید.

ارتباط (relevance)

گاهی سخنی واضح هست، صحت هم دارد، با دقت لازم هم بیان شده ولی ارتباطی به موضوع اصلی ندارد. ارتباط با موضوع اصلی ملاک مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. میتوان پرسید:

- سوال شما چه ربطی به موضوع دارد؟
- این نظر شما چه ارتباطی با موضوع بحث ما دارد؟

ژرفا (depth)

باید از سطحی نگری فاصله بگیریم و به عمق موضوع رفته و پیچیدگی های آن را در نظر بگیریم. معمولا عوامل و متغیر های مختلفی در وجود آوردن یک اتفاق مهم دخیل هستند. وقتی موضوعی ابعاد مختلفی دارد باید به جنبه های مختلف آن پرداخت. مثلا وقتی سوال می کنیم چرا انقلاب سال 57 در ایران به وقوع پیوست باید خود را به ذکر یک یا دو علت یا دلیل راضی نکنیم.

- آیا شما به ابعاد مختلف موضوع توجه کرده اید؟
- کدام متغیرها را شما در نظر نگرفته اید؟
- آیا علت اعتیاد همین موردی بود که شما ذکر کردید؟

وسعت (breadth)

ممکن است مطلبی هر پنج ویژگی که تا اینجا بیان کردیم را داشته باشد ولی از وسعت لازم برخوردار نباشد. در بیان یک مطلب باید از چشم انداز های مختلف به موضوع نگاه کرد. همواره برای هر موضوعی دیدگاههای متعددی وجود دارد. وسعت یعنی در نظر گرفتن این دیدگاهها و چشم اندازهای مختلف. مثلا دیدگاههای مختلفی که در زمینه حجاب اجباری وجود دارد.

- آیا دیدگاههای مختلف را در نظر گرفته اید یا فقط از یک دیدگاه به موضوع پرداخته اید؟
- آیا میتوان از زاویه دیگری به این موضوع نگاه کرد؟
- دیدگاه مارکسیست ها/محافظة کاران/نواندیشان دینی درباره این موضوع چیست؟

منطق (logic)

باید ایده ها و افکار مختلفی که در یک بحث استفاده میکنیم با هم هماهنگ بوده و به نتیجه بحث کمک کنند. تفکر منطقی یعنی اینکه افکار متناقض نداشته باشیم. باید نتیجه گیری ما بر اساس مقدماتی باشد که مطرح می کنیم. میتوان پرسید:

- آیا نتیجه گیری شما بر اساس دلایل و شواهد ارائه شده است؟
- آیا ارتباط منطقی بین بخش های مختلف این سخنرانی وجود دارد؟
- آیا مطالب ارائه شده ضدونقیض نیستند؟

اهمیت (significance)

وقتی درباره موضوعی بحث می کنیم باید روی مهمترین و مرتبط ترین مسائل متمرکز باشیم. گاهی انسان خود را سرگرم مطالبی می کند که اهمیت چندانی ندارند.

- کدام مسئله امروز در اولویت است؟
- کدامیک از واقعیت های موجود اهمیت بیشتری دارد؟
- کدام پرسش در میان سوالات مطرح شده از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

انصاف (fairness)

آیا نظرات مخالف دیدگاه خود را بدون سوگیری و قصد و غرض در نظر می گیریم؟ افراد فریبکار مفاهیم ذهنی را آنگونه که به نفعشان باشد معنا می کنند یا دیدگاههای مخالف را تحریف شده توضیح می دهند.

- آیا منصفانه دیدگاههای مخالف را مطرح کرده ام؟
- آیا استدلال من توجیه پذیر است؟